

قانون‌گریزی و عوامل فرهنگی اجتماعی موثر بر آن (مورد مطالعه: جوانان ۲۹-۱۸ ساله شهر مریوان)

(صفحات ۹۷ تا ۱۲۱)

مهرداد نوابخش^۱، فاروق کریمی^۲

پذیرش: ۹۶/۰۳/۲۶

دریافت: ۹۵/۱۱/۲۶

چکیده

این تحقیق با هدف تحلیل جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی، فرهنگی موثر بر قانون‌گریزی جوانان ۱۸-۲۹ سال شهر مریوان انجام شده است. پژوهش حاضر از نظر روش مطالعه، کمی و از نظر نوع در قلمرو تحقیق‌های کاربردی قرار می‌گیرد و برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش جوانان ۱۸-۲۹ سال شهر مریوان و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۵ نفر محاسبه گردیده و از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که متغیرهای احساس عدالت توزیعی، کنترل اجتماعی، احساس اعتماد اجتماعی افراد، رضایت اجتماعی افراد و نگرش افراد نسبت به قانون با قانون‌گریزی افراد رابطه معکوس و معنی‌داری داشته‌اند. متغیرهای احساس آنومی اجتماعی افراد، داشتن دوستان قانون‌گریز، میزان قانون‌گریزی در بین اعضای خانواده و احساس محرومیت نسبی افراد با قانون‌گریزی آنها رابطه مستقیم و معنی‌داری داشته‌اند. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره هم نشان داد که متغیرهای آنومی اجتماعی، کنترل اجتماعی، رضایت اجتماعی، نگرش نسبت به قانون و قانون‌گریزی اعضای خانواده تأثیر معنی‌داری بر قانون‌گریزی افراد داشته‌اند.

واژگان کلیدی: قانون‌گریزی، احساس عدالت توزیعی، کنترل اجتماعی، آنومی، اعتماد اجتماعی، رضایت اجتماعی.

۱. استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران Mehرداد-navabakhsh@yahoo.com
۲. دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران (نویسنده مسئول): Farogh.karimi@yahoo.com

مقدمه

قانون‌گزینی، پایبند نبودن به قواعد اجتماعی در هر جامعه‌ای وجود دارد، اما در برخی موارد این موضوع تبدیل به مساله اجتماعی می‌شود. در جوامع معاصر هراندازه پیشرفت‌های چشمگیری در ابعاد گوناگون زندگی انسان حاصل شود نیاز به داشتن قوانین پیشرفته بیشتر احساس می‌گردد. ساختار ارگانیکی شهر به گونه‌ای است که سطح مراودات اجتماعی بسیار پر حجم و نسبتاً رسمی است و بیشتر از آنکه هنجارهای سنتی، شکل و روابط بین شهرنشینان را تعیین کند، این قانون و هنجارهای رسمی است که بر روابط اجتماعی سنگینی می‌کند. اجرا نشدن قوانین در سطوح خرد و کلان جامعه، نه تنها مشکلات و دشواری‌هایی در اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم به وجود می‌آورد، بلکه در بلندمدت ممکن است مشروعیت و مقبولیت قوانین موجود را زیر سؤال ببرد و در ابعاد گوناگون اجتماعی و فرهنگی جامعه اثر گذاشته و احیاناً سبب گسیختگی و بی‌سازمانی اجتماعی شود.

در بررسی مسایل اجتماعی شهر، یکی از اختلاف‌نظرهای اساسی این است که مسایل شهری از دیدگاه چه کسی یا کسانی بررسی می‌شوند. اثبات‌گرایان مدعی‌اند بررسی و تبیین مسایل شهری از دیدگاه برنامه‌ریزان شهری و اندیشمندان اجتماعی واقع‌بینانه‌تر، علمی‌تر و مناسب‌تر است. آن‌ها ضعف بیش از حد اجتماعی مردم عادی را در تشخیص و تمیز مسایل اجتماعی را عامل اساسی این موضوع می‌دانند، در تقابل ساخت‌گرایان معتقدند شهروندان که در شهر فعالیت می‌کنند به‌طور روزانه درگیر موضوعات و مشکلات شهری‌اند بهتر می‌توانند به توصیف و شناخت مسایل اجتماعی کمک کنند (بریک وول، ۲۰۰۷).

در هر جامعه‌ای قوانین اجتماعی مبنای رفتار افراد در زندگی اجتماعی است و این قوانین محدوده‌های درست یا نادرست رفتار افراد را مشخص می‌کنند. گاهی این قوانین که از طریق مجاری رسمی مصوب می‌شوند، توسط عده‌ای از افراد جامعه نادیده گرفته می‌شوند و ما شاهد مساله‌ای به نام قانون‌گزینی در جامعه خواهیم بود. بی‌سوادی و کم‌سوادی، ناآگاهی و جهل به قانون، تعدد و تنوع خرده‌فرهنگ‌ها، توزیع و استفاده نابرابر از امکانات، خدمات آموزشی و فرهنگی در سطوح ملی و محلی، گسترش

روزافزون ارتباطات فراملی، به پیدایش و تشدید تفاوت‌ها، تعارض‌های عقیدتی، ارزشی و هنجاری در بین افراد و گروه‌های اجتماعی منجر گردید به طوری که بین نخبگان و مردم بر سر اصول و اهداف فرهنگی، فهم مشترک و وفاق وجود ندارد. این تفاوت‌ها و تعارض‌ها در ارزش‌ها و اهداف، ملازم است با چندگانگی ساختاری، نظام قسرنندی و نابرابری اجتماعی، تعدد، تنوع و تعارض قواعد و الگوهای عمل بین اقوام مختلف و ساختارهای رسمی و غیررسمی است (عبداللهی، ۱۳۷۸: ۱۹۹).

اغلب تحقیقات و نظرسنجی‌ها که به سنجش قانون‌گرایی در بین ایرانیان پرداخته‌اند حاکی از آن است که تمایل زیادی به رعایت قانون در جامعه دیده نمی‌شود. قانون‌گریزی از جمله مسایل اجتماعی است که تهدیدی علیه نظم و سازمان اجتماعی محسوب می‌شود. عدم تبعیت از قانون همواره یکی از معضلات تاریخی پیش روی جامعه ایران محسوب می‌شده است. از یک طرف جدال بر سر مشروعیت مرجع تصویب قوانین و از سوی دیگر پیروی و تمکین شهروندان به قوانین مصوب، دو مشکل اساسی جامعه ایران است (رضایی، ۱۳۸۵: ۶۹).

جامعه ایرانی همواره به دلایلی مانند جو عدم اعتماد توأم با ترس و بی‌ثباتی‌های شخصیتی، خاص‌گرایی فرهنگی، نابرابری اقتصادی، نامناسب بودن قوانین، ضعف ضمانت اجرایی، از عدم توجه به قوانین رنج برده است. گذر از جامعه سنتی به مدرن، مواجه با پدیده‌ها و تکنولوژی‌های وارداتی، شرایط بی‌ثبات سیاسی، تهدیدات خارجی، بحران‌های اقتصادی و سایر عوامل، موجب به وجود آمدن شرایطی در جامعه می‌شوند که قانون‌گریزی به مثابه رفتاری نهادینه شده در کنشگران درمی‌آید. اغلب نظرسنجی‌ها و تحقیقاتی که به سنجش میزان قانون‌گرایی در بین ایرانیان پرداختند، به این نتیجه رسیدند که در ایران تمایل زیادی به رعایت قانون در جامعه دیده نمی‌شود و جامعه امروز ایران در حوزه اجتماعی با آشفتگی و گسیختگی اجتماعی مواجه است (محسنی، ۱۳۷۹؛ آزاد ارمکی، ۱۳۷۹).

در بیشتر تحقیقات نبود چارچوب نظری مشخص برای تبیین نهادمندی قانون در جامعه ایران دیده می‌شود. دسته‌ای از این تحقیقات علت بروز قانون‌گریزی در ایران را امری وابسته به تاریخ و ژئوپلیتیک ایران قلمداد می‌کنند. در واقع این محققان رواج الگوی بی‌میلی به اطاعت از قانون را ناشی از وجود درازمدت شکل خاصی از استبداد

ایرانی تلقی کردند، این تحلیل‌ها چه در شکل اقتصاد جغرافیا بنیاد (آبراهامیان، ۱۳۸۴. کاتوزیان، ۱۳۷۷. پیروز، ۱۳۷۱. پیران، ۱۳۸۴. تنومند، ۱۳۷۸. قادری، ۱۳۸۱) چه در شکل سیاست بنیاد (اشرف، ۱۳۵۹. قاضی مرادی، ۱۳۷۸. طباطبایی، ۱۳۸۰) استبداد سیاسی در تاریخ اجتماعی ایران را سبب بلورینه شدن و رسوب‌گرایی غیر مدرن در اذهان ایرانیان می‌دانند که نهادمندی قانون به‌مثابه امری عینی و غیرشخصی را بر نمی‌تابد. دسته‌ای دیگر از تحقیقات، علت‌های اجتماعی و فرهنگی از جمله رواج ترجیحات قانون‌گریزانه در فرهنگ عمومی، اصرار بر اختلافات به‌جای حل اختلافات، تقدم فرد بر جمع، تراکم بی‌ثباتی قانون، فقدان آگاهی از قانون (عبدی، ۱۳۸۱) را به این فهرست افزوده‌اند. بیگانگی از قانون، رویت ناپذیری قانون، فاصله و شکاف میان ساخت فردی و اجتماعی، ناهمخوانی روانشناسی و جامعه‌شناسی، دو چهرگی قانون به معنای خشن در برابر جامعه (عبداللهی، ۱۳۷۸) نبود قانون مشخص در دوره‌های مختلف، دوگانگی ارزشی حاکم یعنی دیدگاه سنتی و دیدگاه مذهبی، بی‌ثباتی قوانین و عدم تعادل کلی جامعه (علوی تبار، ۱۳۷۶) از دیگر عوامل نهادینه نشدن قانون در ایران اشاره شده‌اند.

قانون‌گزیزی به‌عنوان یک کنش در جامعه امر خود به خودی نیست بلکه عوامل گوناگونی این پدیده را موجب می‌شوند که لازم است آن عوامل شناسایی شوند. قانون‌گزیزی می‌تواند نتیجه نهایی عدم تعلق فرد قانون‌گریز به هنجارهای رسمی اجتماعی باشد. پیوند اجتماعی ضعیف و سرمایه اجتماعی پایین، فرد را در وضعیتی قرار می‌دهد که تخطی از قانون را به اطاعت از آن ترجیح می‌دهد گریز از قانون به انحای مختلف در میان افراد جامعه به‌صورت شدید یا ضعیف وجود دارد، عدم توجه به بهداشت اماکن عمومی، ایجاد آلودگی صوتی، آسیب رساندن به وسایل نقلیه عمومی، از بین بردن حرمت افراد جامعه، نزاع خیابانی، مزاحمت افراد، بی‌توجهی به قوانین راهنمایی و رانندگی، عدم پرداخت مالیات، پرداختن به مشاغل غیرقانونی و ... نمونه‌هایی از قانون‌گزیزی در هر جامعه‌ای بشمار می‌آیند. با توجه به اینکه اکثر افراد جامعه در طول زندگی خود از چند قاعده رسمی تخطی می‌کنند، کسانی هم هستند که دائماً قوانین را نادیده می‌گیرند. بنابراین قانون‌گزیزی یک طیفی از رفتار است که از قانون‌گزیزی دایمی خشن و شدید مثل سرقت و قتل قانون‌گزیزی گاه‌گاهی، غیر خشن

و ضعیف مثل ندادن مالیات، عبور از چراغ قرمز را در برمی‌گیرد به قانون‌گریزی نوع اول، قانون‌گریزی سخت و به قانون‌گریزی نوع دوم قانون‌گریزی نرم می‌گوییم.

در شهر مریوان هنوز تعلقات و پیوندهای سنتی تعیین‌کننده‌ای در مناسبات و روابط اجتماعی وجود دارند و رفتارهای جانبدارانه و تعصبات عشیره‌ای و خویشاوندی توسط برخی از افراد و گروه‌ها در این شهر در بسیاری از موارد نسبت به معیارهای قانونی برتری داده می‌شود. ساخت اجتماعی کردستان و به‌طور خاص شهر مریوان به‌گونه‌ای است که هنوز روابط خویشاوندی، هنجارهای قومی و سنتی و روابط دوستانه غیررسمی، حاکمیت خود را بر رفتار افراد از دست نداده‌اند. با توجه به مرزی بودن این شهر، مهاجرپذیر بودن آن و فاصله اندک با زندگی روستایی، بافت و شرایط جغرافیای خاص فرهنگی که محل تلاقی تعداد زیادی گردشگر در طول سال است، زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی متفاوتی را برای جوانان ایجاد می‌نماید. با در نظر گرفتن ویژگی‌های رفتاری مردم این شهر و مشاهده قانون‌گریزی در بین کنش‌های اجتماعی آن‌ها در جامعه و محیط‌های مختلف، به‌خصوص در بین جوانان، شاهد عدم تناسب و هماهنگی قوانین با شرایط جامعه و وجود دوگانگی‌های ارزشی هستیم. لذا واکاوی علل و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر پدیده قانون‌گریزی ضرورت می‌یابد، چراکه تداوم قانون‌گریزی در رفتار مردم موجب اختلال در نظم شهر و نظم عمومی جامعه می‌شود و هزینه‌ها و خسارات‌های جبران‌ناپذیری به بار خواهد آورد. با مراجعه به دادگستری، کلاستری‌ها، شوراهای حل اختلاف، دادگاه خانواده، مراکز بهزیستی و کانون اصلاح و تربیت این شهر روشن می‌شود که وضعیت چندان مطلوبی از لحاظ شناخت شهروندان از قانون و تمکین به آن وجود ندارد. بر اساس اطلاعات کسب شده از دادگستری شهر مریوان سالانه به‌طور تقریبی ۳۶۰۰ پرونده کیفری و ۶۲۰۰ پرونده حقوقی و حدود ۱۹۰۰ اظهارنامه تشکیل می‌شود و همچنین در شعبه حل اختلاف راهنمایی و رانندگی سالیانه بیش از ۲۸۳۰ پرونده تشکیل می‌شود. و همچنین اداره امور مالیاتی شهر از خودداری نمودن مودیان از پرداخت مالیات گلايه‌های شدیدی دارند؛ این تعداد زیاد پرونده در این شهر تقریباً کوچک به‌تناسب جمعیت آن دال بر ازدیاد قانون‌گریزی در این شهر می‌باشد. لذا سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که ضمن تبیین جامعه‌شناختی قانون‌گریزی چه عوامل اجتماعی و فرهنگی بر این پدیده تاثیرگذار می‌باشند؟

۱- ادبیات پژوهش

۱-۱- ادبیات تجربی

در سال‌های گذشته محققان با انجام تحقیق‌هایی، تعدادی از متغیرهای تبیین‌کننده قانون‌گزینی را برجسته نموده‌اند که در ذیل به اختصار به آنها اشاره می‌شود:

رضایی (۱۳۸۳) در زمینه میزان و نوع عوامل موثر بر قانون‌گزینی به تحقیق پرداخته است، یافته‌های به دست آمده از تحقیق وی نشانگر آن است که احساس آنومی، میزان رواج زور در جامعه، خاص‌گرایی، تصور از میزان اعمال نظارت و اعتماد به نظام سیاسی، بیشترین تاثیر را نسبت به سایر متغیرها بر قانون‌گزینی داشته است.

رفیع پور (۱۳۷۸) تحقیقی با عنوان پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران با هدف بررسی آشفته‌گی‌های اجتماعی در شرایط کنونی جامعه ایران انجام داده است و از تئوری‌های دورکیم، مرتن، مازلو و ساترلند بهره‌جسته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نه فقط کارهای نامشروع، دزدی و ... افزایش یافته بلکه در زمینه هنجارهای رسمی، عدم رعایت قواعد و هنجارها بسیار گسترده است. احساس وجود نابرابری‌های اقتصادی- اجتماعی بر اعتماد اجتماعی و همچنین رفتار آنومیک تاثیر بسیار قوی دارد.

محسنی (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان تحلیل جامعه‌شناختی قانون‌گزینی و راهکارهایی برای نظم عمومی در استان مازندران به این نتیجه رسید که بین ویژگی‌های شخصیتی افراد مجرم، آگاهی افراد از قوانین، بی‌هنجاری، اجباری بودن قوانین و قانون‌گزینی رابطه معناداری وجود دارد.

فیروزجانیان (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان تحلیل جامعه‌شناختی قانون‌گزینی در رانندگی با تاکید بر نظریه کنترل اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان شهر نکا) به این نتایج رسید که بین میزان تحصیلات، درآمد، سابقه رانندگی فرد با قانون‌گزینی رابطه معنی‌دار و معکوس وجود دارد. همچنین بین ابعاد وضعیت پیوند اجتماعی (اعتقاد به قانون، مشارکت اجتماعی، پیوستگی اجتماعی، تعهد اجتماعی) و قانون‌گزینی در رانندگی رابطه معکوس و معنی‌دار وجود دارد.

اگنیو (۲۰۱۱) تحقیقی بر روی ۱۷۲۵ نفر دختر و پسر ۱۷-۱۱ ساله به منظور بررسی تاثیر متغیر رفتار همسالان قانون‌گريز بر روی رفتار جوانان انجام داد و شاخص‌های دلبستگی به دوستان قانون‌گريز، مدت زمان صرف شده با آنها، اصرار دوستان برای

ارتکاب به قانون‌گریزی را برای سنجش این تحقیق بکار گرفته و استدلال می‌نماید که فشار دوستان قانون‌گریز، معاشرت با آنها، مدت زمان صرف شده با آنها متغیرهایی می‌باشند که در تعامل با یکدیگر جوانان را به سمت قانون‌گریزی سوق می‌دهند. کرسول (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای میان دانش‌آموزان آفریقایی-آمریکایی با نمونه‌آمری شامل ۳۶۳ پسر و ۲۶۷ دختر با عنوان نقش وابستگی به والدین، پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده، روابط منحرف همسالان، مشارکت جوانان در رفتارهای قانون‌گریزانه با استفاده از تئوری کنترل اجتماعی به این نتایج رسید که وابستگی به والدین با میزان رفتارهای قانون‌گریزانه رابطه‌ای ندارد اما پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالای خانواده، درگیر شدن زیاد جوانان در روابط منحرف با همسالان قانون‌گریز و مشارکت زیاد با آنها با میزان قانون‌گریزی رابطه معنی‌دار وجود دارد.

۱-۲- ادبیات نظری

تعاریف نظری و عملیاتی

جامعه‌شناسان قانون را مجموعه‌ای از قواعد الزام‌آور و کلی می‌نامند که به منظور ایجاد نظم و استقرار امنیت و عدالت و تنظیم مناسبات اجتماعی وضع شده است و ضمانت اجرای آن را نهاد و دستگاه سیاسی یک کشور تحت عنوان دولت به عهده گرفته است. یکی از ویژگی‌ها و خصوصیت قوانین، محدودکننده و تنظیم‌کننده آن‌ها است که منجر به نظم اجتماعی می‌شود. قانون‌گریزی نوعی جهت‌گیری نسبت به هنجارهای قانونی جامعه است که منجر به کج روی یا انحراف از قوانین می‌شود در همه جوامع، قانون‌گریزی به عنوان یک مسئله اجتماعی وجود دارد (بابایی و جائیان، ۱۳۸۸:۸۲).

قانون‌گریزی افراد با گویه‌ها (معرف‌های) زیر اندازه‌گیری شده است.

- اگر جریمه در کار نباشد، احتمال دارد هنگام رانندگی، قوانین و مقررات را رعایت نکنم.
- اگر بتوان در موقعیت سبقت ممنوع، سبقت گرفت، اشکالی ندارد.
- در صورت نبود جای پارک اتومبیل، درجایی که پارک ممنوع است ماشین را پارک می‌کنم.

- در صورت داشتن کار ضروری، عبور از چراغ قرمز اشکالی ندارد.
 - پیش آمده که نظافت محله را رعایت نکرده و موجب آلودگی شده باشم.
 - پیش آمده که در صف‌های مختلف، نوبت را رعایت نکنم و کارم را سریع‌تر انجام دهم.
 - اگر بتوانم کنتورهای برق، آب و یا گاز را دست کاری می‌کنم.
 - همیشه سعی می‌کنم کارهای اداری خود را از طریق آشنا انجام داده تا از طریق قانونی.
 - اگر بتوانم، هرگز مالیات پرداخت نمی‌کنم.
 - ساخت و ساز بدون جواز در شهر هیچ اشکالی ندارد.
 - آدم‌هایی که قانون را رعایت می‌کنند، موفق‌ترند.
 - حتی اگر کسی بالای سر نباشد قانون را رعایت می‌کنم.
- عدالت توزیعی: عدالتی است که بدان وسیله، دولت (چون دولت حاکم است) خیرها و مزایا (مناصب، احترام، پاداش‌ها و مزایای اجتماعی دیگر) را میان شهروندان خود بر حسب تناسب‌های هندسی (شایستگی‌ها) تقسیم می‌کند (چلبی، ۱۳۸۹).
- تعریف عملیاتی: عدالت توزیعی با متغیرهای زیر اندازه‌گیری شده است:
- در حال حاضر همه مردم به حداقل درآمد دسترسی دارند.
 - در حال حاضر همه مردم به حداقل امکانات بهداشتی و تحصیلی دسترسی دارند.
 - در حال حاضر همه مردم به حداقل اطلاعات دسترسی دارند.
 - در حال حاضر همه مردم به حداقل امکانات قضایی و حقوقی دسترسی دارند.
- آنومی اجتماعی: حالتی در یک اجتماعی یا گروه که در آن ساختار اجتماعی در هم گسسته، و با فقدان یک ساختار هنجاری منظم ارزش‌های اجتماعی از بین رفته و معیارهای فرهنگی نابود شده است. آنومی از نظر دورکیم عبارت است از فقدان یک ساختار هنجاری مؤثر (مبارکی، ۱۳۸۳: ۱۳۶).
- متغیر آنومی اجتماعی با گویه‌های زیر سنجیده شده است:
- زمانه طوری شده است که نمی‌توان دوست و دشمن را تشخیص داد.
 - حال حاضر تشخیص آدم خوب از بد بسیار مشکل شده است.
 - با وضعیتی که پیش آمده نمی‌توان حلال و حرام را تشخیص داد.

- با وضعیت موجود واقعا نمی‌توان راه درست را از غلط تشخیص داد.
- کنترل اجتماعی: مجموع وسایل و شیوه‌هایی است که با استفاده از آنان یک گروه و یا یک واحد اعضای خود را به پذیرش هنجارها، رفتارها، قواعدی در سلوک و حتی آداب و رسوم منطبق با آنچه گروه مطلوب تلقی می‌کند، سوق می‌دهد. کنترل اجتماعی یکی از اشکال فشار اجتماعی است و به دو وجه متفاوت صورت پذیر است:
- الف- از طریق اعمال اجبار اجتماعی که بر اساس آن افراد را به پذیرش شیوه‌های زندگی و مدل‌های رفتاری محیط با کاربرد وسایل گوناگونی نظیر مجازات‌های حقوقی و تنبیه به جهت ارتکاب جرائمی وامی‌دارد. ب- از طریق اقناع که بر اساس آن افراد را به انجام رفتارهایی یکسان مجبور می‌سازند و آنان را به پذیرش هنجارهای رفتاری و رعایت آن‌ها وادار می‌سازند. وسایل مختلف اقناع عبارت‌اند از تبلیغ، اعطای پاداش و اعتبار و مناصب و مقامات، تمجید و استعانت از ارزش‌های اخلاقی (بیرو، ۱۳۸۱: ۳۴۸).
- کنترل اجتماعی با گویه‌های زیر اندازه‌گیری شده است.
- من فکر می‌کنم در جامعه ما همه افراد مواظب رفتار یکدیگر هستند.
 - من فکر می‌کنم پلیس در همه جا حاضر است.
 - اگر کسی مرتکبی جرمی شود، پلیس فوری او را دستگیر خواهد کرد.
 - من فکر می‌کنم پلیس به افراد کاری ندارد.
 - من فکر می‌کنم کنترل پلیس بر رفتار افراد خیلی ضعیف است.
- اعتماد اجتماعی: گیدنز اعتماد را به‌عنوان اطمینان به قابلیت یک شخص یا سیستم با در نظر گرفتن رشته خاصی از نتایج یا وقایع تعریف می‌کند که آن اطمینان بیانگر ایمان به پاک‌دامنی^۱ دیگران یا عشق به آن‌ها و یا ایمان به صحت اصول انتزاعی و مجرد (مثل دانش فنی) است. فرهنگ وبستر هم اعتماد را اعتقاد یا اطمینان راسخ به صداقت، درستی، وثوق و عدالت یک شخص، گروه یا کلیت جامعه تعریف کرده است (کریمی، ۱۳۸۸).
- متغیر اعتماد اجتماعی با گویه‌های زیر اندازه‌گیری شده است.
- به نظر من بیشتر مردم قابل اعتماد هستند

1- probity

- آدم تا از کسی بدی ندیده است، باید به او اعتماد کند
 - شما تا چه حد اعضای خانواده خود را قابل اعتماد می‌دانید؟
 - شما تا چه حد اقوام و خویشان خود را قابل اعتماد می‌دانید؟
- رضایت اجتماعی: احساس رضایتی که هر فرد از زندگی خود و از رابطه با دیگران دارد (ایمان، ۱۳۸۸).
- رضایت اجتماعی افراد با گویه‌های زیر اندازه‌گیری شده است:
- احترام به قانون در بین مردم
 - رعایت نظم در بین مردم
 - کمک به هم‌نوع
 - احترام متقابل افراد به همدیگر
- نگرش افراد نسبت به قانون: به معنی نوع رویکرد، وجهه نظر، شیوه تلقی، طرز فکر و نگاه است. همچنین ترکیب شناخت، احساس و آمادگی برای عمل به امری معین را نگرش به آن چیز گویند (زارع شاه‌آبادی و ترکان، ۱۳۹۲).
- نگرش افراد نسبت به قانون با گویه‌های زیر سنجیده شده است.
- در جامعه ما قانون به نفع عموم مردم است.
 - در جامعه ما قانون در جهت حل مشکل مردم است.
 - قانون در همه جای جامعه وجود دارد.
 - در جامعه ما قانون مبتنی بر نیاز مردم است.
- دوستان قانون‌گریز: مفهوم قانون‌گریز در بالا تعریف شده است و منظور از قانون‌گریز دوستان این است که این افراد چقدر به اصول قوانین و مقررات جامعه التزام دارند یا چقدر از قانون سرپیچی می‌کنند.
- دوستان قانون‌گریز با معرف‌های زیر اندازه‌گیری شده است.
- عبور از چراغ قرمز
 - ساخت خانه بدون جواز
 - عدم سبقت غیرمجاز
 - متوسل شدن به پارتی برای انجام کارها

خانواده قانون‌گریز: مفهوم قانون‌گریزی در بالا تعریف شده است و منظور از قانون‌گریزی اعضای خانواده این است که این افراد چقدر به اصول قوانین و مقررات جامعه التزام دارند یا چقدر از قانون سرپیچی می‌کنند.

خانواده قانون‌گریز با معرف‌های زیر اندازه‌گیری شده است.

- عبور از چراغ قرمز
 - ساخت خانه بدون جوار
 - عدم سبقت غیرمجاز
 - متوسل شدن به پارتی برای انجام کارها
- از نظر پارسونز، جامعه دارای چهار خرده نظام اقتصاد، شکل حکومت، اجتماع جامعه‌ای و جامعه‌پذیری است. هر یک از این خرده نظام‌ها برای جامعه کارکرد دارد. کارکرد خرده نظام اقتصاد انطباق با محیط، کارکرد شکل حکومت دستیابی به اهداف و کارکرد اجتماع جامعه‌ای ایجاد انسجام و یکپارچگی در جامعه است. کارکرد حفظ و نگهداری الگوهای فرهنگی توسط خرده نظام جامعه‌پذیری صورت می‌گیرد. مجموعه فرایندهایی که به کمک آن‌ها اجتماعی شدن افراد تحقق می‌یابد، در حکم کارکرد حفظ الگو در جامعه است. فرایند اجتماعی شدن از طریق نقش‌پذیری و کنش متقابل با دیگران صورت می‌گیرد. از این طریق فرهنگ به عاملان انتقال می‌یابد و توسط آن‌ها درونی شده، عاملی مهم در انگیزش رفتار اجتماعی آنان به حساب می‌آید. هنجارها و ارزش‌های اجتماعی از طریق فرایند اجتماعی شدن، ملکه ذهن شده، به صورت بخشی از وجود کنشگران درمی‌آیند؛ به طوری که آن‌ها ضمن پی گرفتن منافعتشان به مصالح کلی نظام اجتماعی خدمت می‌کنند. این کارکرد به طور عمده در خانواده و در نظام آموزشی متمرکز است؛ هرچند رسانه‌های گروهی، سندیکاها و احزاب سیاسی نیز کارکرد و نقش آموزشی دارند (توسلی، ۱۳۸۶: ۲۴۴).

نوع دیگر تئوری ساختار اجتماعی، تئوری انحراف فرهنگی است که عناصر تئوری‌های بی‌سازمانی اجتماعی و فشار را باهم ترکیب کرده است، بر اساس این دیدگاه به دلیل فشار و انزوای اجتماعی، یک فرهنگ بی‌نظیر طبقه پائین در محلات

بی‌سازمان به وجود آمده و گسترش می‌یابد. این خرده‌فرهنگ مستقل ارزش‌ها و اعتقادات بی‌نظیری را نگه می‌دارد که در تضاد با هنجارهای قراردادی جامعه هستند. بر اساس این دیدگاه رفتار مجرمانه اظهار هم‌نوايي با ارزش‌ها و شرایط خرده‌فرهنگ طبقه پائین است نه طغیان و نافرمانی از جامعه قراردادی. ارزش‌های خرده‌فرهنگ از نسلی به نسل دیگر در یک فرآیند که انتقال فرهنگی نامیده شده است، انتقال می‌یابند (سیگل، ۲۰۱۲: ۱۹۲-۱۹۳).

تئوری بی‌سازمانی اجتماعی به‌عنوان یکی از دیدگاه‌های تئوریک عمده در مطالعه جرم در میانه‌ی دهه ۱۹۸۰ مجدداً ظهور کرده است. این تئوری بر توزیع جرم شناختی (به‌ویژه محلات) جرم و بزهکاری متمرکز است و فرض شده است که این امر به خاطر تغییر در توانایی محلات برای در فشار گذاشتن ساکنین محله به خاطر تخطی از هنجارها روی می‌دهد. این توانایی‌ها به‌عنوان تابعی از همبستگی محله در نظر گرفته شده است که به‌وسیله اندازه، تراکم، وسعت پیوندهای شبکه و سطوح مشارکت سازمانی در میان ساکنین محله منعکس شده است. مفهوم‌سازی اخیر بر شکل مستقیم کنترل غیررسمی یا کارایی جمعی یعنی توانایی مداخله مؤثر در مشکلات محله و نظارت بر ساکنین محله برای نگهداری نظم عمومی تمرکز دارد. هر وقت این مکانیسم‌های مکمل ضعیف شوند، محله‌ها توانایی‌شان را برای کنترل جرم و خشونت از دست می‌دهند. قدرت همبستگی محله و کارایی جمعی در واقع بازتاب شرایط موجود جامعه است که شامل فقر، شهرنشینی، صنعتی شدن، صنعتی، دگرگونی جمعیت، ناهمگونی قومی و نژادی، ازهم‌پاشیدگی خانوادگی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی پائین و عدم ثبات ساکنین محله است. وقتی این‌ها افزایش یابند شدت و قدرت همبستگی اجتماعی و کنترل غیررسمی کاهش یافته و در نتیجه جرایم افزایش می‌یابند. نظریه بی‌سازمانی اجتماعی به‌وسیله دو نفر از جامعه‌شناسان شیکاگو کلیفورد شاو^۱ و هنری مک‌کی^۲ در کتاب "بزهکاری نوجوانان و محیط شهری"

1 - Cilfford R.shaw

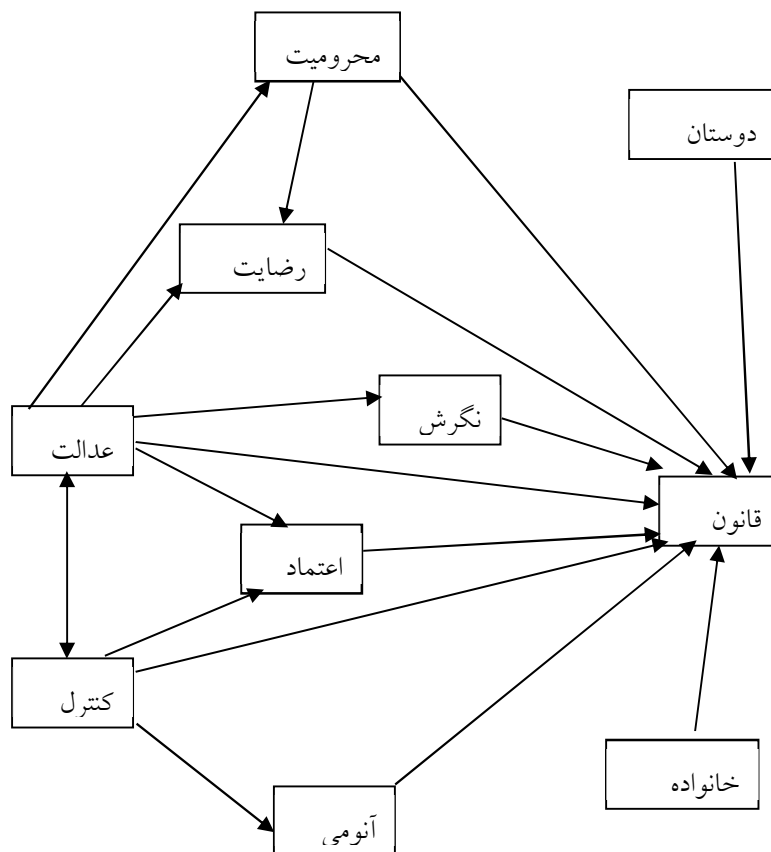
2 - Henry D.mckay

شناخته شد که زندگی در مناطق فقیرنشین را به ارتکاب جرم پیوند می‌داد. آن‌ها تحت تأثیر جامعه شناسان مکتب شیکاگو، به‌ویژه ارنست برگس و رابرت پارک بودند که در تحلیل بوم‌شناختی از زندگی شهری پیشرو بوده‌اند. بوم‌شناسی به رابطه‌ی میان ارگانسیم‌ها و محیط‌ها اشاره می‌کند. اعضای مکتب شیکاگو این مفهوم را درباره رشد شهرهای بزرگ به کاربردند و چنین استدلال کردند که رفتار انسان را می‌توان برحسب محیط شهری او تعیین کرد. به‌ویژه آنان گفتند که در اثر توسعه‌ی شهرهای بزرگ، محله‌های مشخصی به وجود می‌آیند که هر کدام شیوه‌های خاص زندگی خود را دارند.

تئوری فشار، جرم را عنوان پیامد و نتیجه مستقیم خشم و ناکامی طبقات پایین شهری در نظر می‌گیرند. نظریه پردازان فشار معتقدند که اکثر مردم در ارزش‌ها و اهداف مشترکی سهیم‌اند، ولی توانایی رسیدن به این اهداف به طبقات اجتماعی و اقتصادی آن‌ها بستگی دارد. در نواحی نابسامان جرم به این خاطر رخ می‌دهد که وسایل مشروع دسترسی به موفقیت محدود است و افراد از روش‌های منحرفانه برای رسیدن به اهدافشان استفاده می‌کنند و از اهدافی که به‌طور اجتماعی مورد پذیرش می‌باشد؛ دوری می‌جویند. آنان در پاسخ به این سؤال که چرا مردم کج‌رفتاری می‌کنند، می‌گویند عواملی در جامعه وجود دارند که برخی مردم را تحت فشار قرار می‌دهند و آن‌ها را مجبور به کج‌رفتاری می‌کنند.

از نظر دورکیم سستی هنجارهای اجتماعی پیشین و بی‌اعتبار شدن سنت‌ها و پیوندهای گروهی معمول به‌واسطه پیشرفت و توسعه اجتماعی، علت اصلی شرایط بی‌هنجاری و آنومیک است. وی معتقد بود که هیچ جامعه‌ای به وضعیت بی‌هنجاری کامل نمی‌رسد، اما در برخی شرایط میزان بی‌هنجاری در روابط اجتماعی و بخش‌های خاصی از جامعه اوج می‌گیرد. به‌زعم وی، زمانی که قواعد اجتماعی در جوامع پیچیده‌ای که با کاهش همبستگی و وفاق روبه‌روست، کمتر التزام آور می‌شود و مردم احساس می‌کنند که از فشار هنجارهای اجتماعی کاسته شده است، آنگاه افزایش انحرافات هم‌چون، جرم و قانون‌گریزی اجتناب‌ناپذیر می‌شوند.

دورکیم این وضعیت جامعه را آنومی یا بی‌هنجاری می‌خواند. وی کانون توجه خود را تغییر ساخت اجتماعی از حالت انسجام مکانیکی به انسجام ارگانیکی قرار می‌دهد و بر این عقیده است که کج‌رفتاری هرچند در همه جوامع اتفاق می‌افتد شکل مدرن آن خاص جامعه مدرن با انسجام ارگانیکی است که عمدتاً در قالب حالت آنومی به‌عنوان یک بیماری مدرن ظاهر می‌شود. یعنی رشد سریع اقتصادی مدرن بدون رشد نیروهای منظم‌کننده آن واقع شده است در اینجا توسعه اقتصادی برای تنظیم روابط اجتماعی در نظام کار کافی نیست، بلکه باید تنظیم‌های اخلاقی و قواعد هنجاری مناسب نیز شکل گیرند تا حقوق و وظایف افراد مشخص شود. بنابراین موضوع اصلی مورد توجه دورکیم در ارتباط با مسأله کج‌رفتاری، ساخت جامعه و تأثیر آن بر فرد است. دورکیم معتقد است منبع اصلی کج‌رفتاری در جوامع مدرن که دارای انسجام ارگانیکی است دو بعد دارد. اول شرایط آنومیک که در اثر تغییر و تحول سریع به وجود می‌آید و شرایطی است که اخلاق اجتماعی دچار حالت اغتشاش شده باشد، یعنی ارزش‌های اخلاقی با شرایط مادی جدید زندگی مطابقت نداشته باشند و روح جمعی نتواند تمایلات بشر را منظم کند. بعد دوم آن گسترش اهمیت فردگرایی است که در عین حال که می‌تواند باعث پیشرفت اندیشه و خلاقیت گردد، از جانب دیگر هم تأکید زیاد بر فردگرایی می‌تواند باعث شکل‌گیری هنجارهایی گردد که توسعه آرزوهای فردی و محدود نشده را تشویق می‌کنند (ممتاز، ۱۳۸۱: ۵۲-۵۱).



شکل (۱) مدل علی تحقیق

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین احساس عدالت توزیعی و قانون‌گریزی افراد رابطه معکوس وجود دارد.
- ۲- بین احساس آنومی اجتماعی افراد و میزان قانون‌گریزی آن‌ها رابطه مستقیم وجود دارد.
- ۳- بین کنترل اجتماعی و قانون‌گریزی افراد رابطه معکوس وجود دارد.
- ۴- بین احساس اعتماد اجتماعی افراد و قانون‌گریزی آن‌ها رابطه معکوس وجود دارد.
- ۵- بین رضایت اجتماعی افراد و قانون‌گریزی آن‌ها رابطه معکوس وجود دارد.
- ۶- بین نگرش افراد نسبت به قانون و قانون‌گریزی آن‌ها رابطه معکوس وجود دارد.
- ۷- بین داشتن دوستان قانون‌گریز و میزان قانون‌گریزی افراد رابطه مستقیم وجود دارد.

۸- بین میزان قانون‌گریزی در بین اعضای خانواده و قانون‌گریزی افراد رابطه مستقیم وجود دارد.

۹- بین احساس محرومیت نسبی افراد و قانون‌گریزی آن‌ها رابطه مستقیم وجود دارد.

۲- روش شناسی

روش این پژوهش، مطالعه میدانی از نوع پیمایشی مقطعی بود. جامعه پژوهشی عبارت بودند از کلیه جوانان زن و مرد ۱۸ الی ۲۹ سال شهر مریوان تشکیل می‌دادند که در سال ۱۳۹۴ در این شهر ساکن بودند و تعداد آن‌ها برابر ۲۳۵۶۰ نفر بود. حجم نمونه برابر با ۳۸۵ بود. به دلیل ناهمگونی جامعه آماری (شهروندان شهر مریوان از قشرها و گروه‌های مختلف اجتماعی با علایق و سلیقه‌های گوناگون می‌باشند) از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شد. به طوری که شهر مریوان به سه منطقه مرفه نشین، متوسط نشین، فقیرنشین و حاشیه‌ای تقسیم‌بندی شد. در مرحله بعد در هر منطقه بر اساس نقشه جغرافیایی شهر که توسط سازمان مسکن و شهرسازی و شهرداری تدوین شده است، چند بلوک و خیابان و در نهایت کوچه را به شیوه نمونه‌گیری تصادفی انتخاب نموده و در پایان با مراجعه به درب منازل با فرد موردنظر خود (جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال) مصاحبه به عمل می‌آوردیم ابزار اندازه‌گیری در این تحقیق پرسشنامه بود که به شیوه مصاحبه‌ای تکمیل شد. روایی این پرسشنامه صوری و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ، ۰/۸۳ به دست آمد. برای اندازه‌گیری روابط بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته و نیز روابط متغیرهای مستقل باهم از همبستگی پیرسون و برای تأثیر خالص متغیرهای مستقل در متغیر وابسته هم از رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر استفاده شده است.

۳- یافته‌های پژوهش

برای آزمون فرضیات از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. همان‌گونه که در جدول (۱) آمده است، ضریب همبستگی بین دو متغیر احساس عدالت توزیعی و قانون‌گریزی افراد برابر ۰/۲۲۳- و سطح معنی‌داری آن نیز برابر ۰/۰۰۱ است که منفی و معنی‌دار می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که یک رابطه معکوس و معنی‌داری بین احساس

عدالت توزیعی افراد در جامعه و قانون‌گریزی آن‌ها وجود دارد همچنین متغیر عدالت توزیعی ۰/۱۰۴ از واریانس قانون‌گریزی را تبیین می‌کند، بین متغیر احساس آنومی و قانون‌گریزی ضریب همبستگی برابر است با $0/357^{**}$ و سطح معنی‌داری برابر است با ۰/۰۰۰ که مثبت و معنی‌دار می‌باشد که یک رابطه مثبت و معنی‌داری است یعنی می‌توان گفت هر میزان آنومی در جامعه بیشتر باشد، میزان قانون‌گریزی افراد نیز بیشتر خواهد بود و بالعکس. و همچنین احساس آنومی ۰/۱۳۹ درصد از واریانس متغیر قانون‌گریزی را تبیین می‌کند. بین متغیر کنترل اجتماعی و قانون‌گریزی ضریب همبستگی برابر است با $0/214^{**}$ - و سطح معنی‌داری نیز برابر است با ۰/۰۰۰ که معنی‌دار می‌باشد که یک رابطه معکوس و معنی‌داری است یعنی هر چه کنترل اجتماعی در جامعه بیشتر گردد، قانون‌گریزی افراد کاهش می‌یابد و بالعکس و همچنین متغیر کنترل اجتماعی ۰/۰۴۵ درصد از واریانس متغیر قانون‌گریزی را تبیین می‌کند. بین متغیر اعتماد اجتماعی و قانون‌گریزی ضریب همبستگی برابر است با $0/181^{**}$ - و سطح معنی‌داری نیز برابر است با ۰/۰۰۰ که معنی‌دار می‌باشد که یک رابطه معکوس و معنی‌داری است و همچنین متغیر اعتماد اجتماعی ۰/۰۳۲ از واریانس متغیر قانون‌گریزی را تبیین می‌کند. بین متغیر رضایت اجتماعی و قانون‌گریزی ضریب همبستگی برابر است با $0/424^{**}$ - و نیز سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ می‌باشد که یک رابطه معکوس و معنی‌داری است و همچنین متغیر رضایت اجتماعی ۰/۱۷۹ از متغیر قانون‌گریزی را تبیین می‌کند. بین متغیر نگرش افراد نسبت به قانون و قانون‌گریزی ضریب همبستگی برابر است با $0/246^{**}$ - و سطح معنی‌داری نیز ۰/۰۰۰ می‌باشد که یک رابطه معکوس و معنی‌دار است و همچنین متغیر نگرش افراد نسبت به قانون ۰/۰۶۰ از واریانس متغیر قانون‌گریزی را تبیین می‌کند، بین متغیر داشتن دوستان قانون‌گریز و قانون‌گریزی ضریب همبستگی برابر است با $0/310^{**}$ و نیز سطح معنی‌داری برابر است با ۰/۰۰۰ می‌باشد که معنی‌دار است که یک رابطه معکوس و معنی‌دار است و همچنین متغیر داشتن دوستان قانون‌گریز ۰/۰۸۳ از واریانس قانون‌گریزی را تبیین می‌کند.

جدول (۱) همبستگی پیرسون بین متغیر مستقل و متغیرهای وابسته

متغیر	ضریب همبستگی	ضریب تعیین (R^2)	سطح معنی داری
قانون‌گریزی			
عدالت توزیعی	-۰/۲۲۳**	۰/۱۰۴	۰/۰۰۱
احساس آنومی	۰/۳۵۷**	۰/۱۳۹	۰/۰۰۰
کنترل اجتماعی	-۰/۲۱۴**	۰/۰۴۵	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی	-۰/۱۸۱**	۰/۰۳۲	۰/۰۰۰
رضایت اجتماعی	-۰/۴۲۴**	۰/۱۷۹	۰/۰۰۰
نگرش افراد نسبت به قانون	-۰/۲۴۶**	۰/۰۶۰	۰/۰۰۰
داشتن دوستان قانون‌گرایز	۰/۳۱۰**	۰/۰۸۳	۰/۰۰۰
قانون‌گریزی در بین اعضای خانواده	۰/۴۳۴**	۰/۱۸۸	۰/۰۰۰
احساس محرومیت نسبی	۰/۴۴۲**	۰/۱۹۵	۰۰۰/۰

برازش مدل رگرسیونی

جدول شماره (۲) میزان تبیین قانون‌گریزی افراد توسط متغیرهای مستقل

سطح معنی داری	(R^2) تعدیل شده	ضریب تعیین چندگانه (R^2)	متغیرهای مستقل
۰/۰۰۰	۰/۳۸	۰/۳۹	آنومی اجتماعی کنترل اجتماعی رضایت اجتماعی نگرش نسبت به قانون قانون‌گریزی اعضای خانواده

نگاره‌ی فوق تأثیر متغیرهای مستقل را بر ارزیابی اثربخشی عملکرد پلیس راهور در اجرای ماموریت‌ها از دیدگاه شهروندان را نشان می‌دهد. متغیرهای آنومی اجتماعی، کنترل اجتماعی، رضایت اجتماعی، نگرش نسبت به قانون و قانون‌گریزی اعضای خانواده تأثیر معنی‌داری بر قانون‌گریزی افراد داشته‌اند. این متغیر با همدیگر ۳۸ درصد یعنی بیشتر از یک‌سوم از تغییرات قانون‌گریزی را تبیین می‌کنند.

جدول شماره ۵(۳) ضرایب رگرسیونی قانون‌گریزی افراد توسط متغیرهای مستقل

سطح معنی‌داری	آزمون T	ضرایب استاندارد شده بتا	متغیرهای مستقل
۰/۰۰۰	۸/۷۱	۰/۴۳۷	آنومی اجتماعی
۰/۰۰۰	۷/۳۶	-۰/۲۶۲	کنترل اجتماعی
۰/۰۰	۱۱/۰۱	-۰/۳۸۳	رضایت اجتماعی
۰/۰۰۰	۷/۲۳	-۰/۲۶۵	نگرش نسبت به قانون
۰/۰۰۰	۸/۹۸	۰/۳۱۲	قانون‌گریزی اعضای خانواده

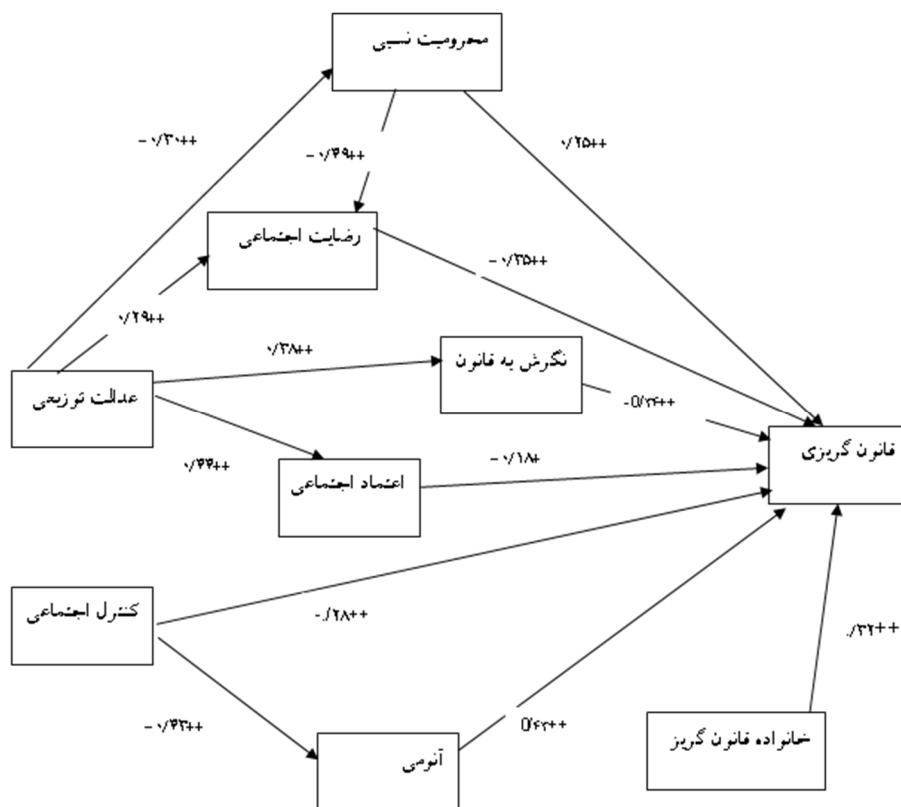
نگاره فوق ضرایب استاندارد شده متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته یعنی قانون‌گریزی افراد را نشان می‌دهد. همان‌گونه که نشان داده شده است ضریب بتای آنومی اجتماعی بر میزان قانون‌گریزی افراد برابر ۰/۴۳۷ می‌باشد. یعنی می‌توان گفت که با کنترل سایر متغیرهای تحقیق، به ازای هر واحد انحراف معیار تغییر در آنومی اجتماعی در جامعه، ۴۳ درصد واحد انحراف معیار در قانون‌گریزی افراد تغییر به وجود می‌آید. ضریب بتای متغیر کنترل اجتماعی هم برابر ۰/۲۶۲ است که تأثیر آن نیز معنی‌دار است. همچنین ضریب بتای متغیر رضایت اجتماعی با کنترل سایر متغیرها برابر ۰/۳۸۳ است که منفی می‌باشد؛ یعنی به ازای هر واحد انحراف استاندارد افزایش در رضایت اجتماعی افراد، مقدار ۳۸ درصد انحراف معیار در قانون‌گریزی افراد کاهش به وجود می‌آید. ضریب بتای نگرش نسبت به قوانین جامعه هم برابر ۰/۲۶۵- است وجود منفی و معنی‌دار می‌باشد. این بدان معنی است که با کنترل سایر متغیرهای تحقیق، به

ازای هر واحد انحراف معیار افزایش در نگرش افراد نسبت به قانون مقدار ۲۶ درصد انحراف معیار قانون‌گزینی افراد کاهش می‌یابد. ضریب بتای قانون‌گزینی اعضای خانواده نیز برابر ۰/۳۱۲ است. یعنی می‌توان گفت که به ازای هر واحد انحراف معیار تغییر در قانون‌گزینی اعضای خانواده، مقدار ۳۱ درصد واحد انحراف معیار در قانون‌گزینی افراد تغییر به وجود می‌آید.

تحلیل مسیر

در زیر مدل تحلیل مسیر برای قانون‌گزینی جوانان نشان داده شده است. همان‌طور که از مدل برمی‌آید متغیرهای احساس محرومیت نسبی با ضریب مسیر ۰/۲۵، رضایت اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۳۵، نگرش نسبت به قانون با ضریب مسیر ۰/۳۴، اعتماد اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۱۸، کنترل اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۲۸، آنومی در جامعه با ضریب مسیر ۰/۴۲ و داشتن خانواده قانون‌گیز با ضریب مسیر ۰/۳۲ به صورت مستقیم بر قانون‌گزینی افراد تأثیر داشتند. بزرگ‌ترین ضریب مسیر مستقیم مربوط به آنومی اجتماعی می‌باشد که ۰/۴۲ بوده است؛ به عبارت دیگر، این متغیر بیشترین تأثیر مستقیم و بدون واسطه را بر قانون‌گزینی افراد داشته است.

متغیر رضایت اجتماعی افراد علاوه بر تأثیر مستقیم از طریق متغیر محرومیت نسبی با ضریب مسیر ۰/۴۹ بر قانون‌گزینی افراد تأثیر غیرمستقیم داشته است. متغیر کنترل اجتماعی هم علاوه بر تأثیر مستقیم از طریق متغیر آنومی اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۴۳ بر قانون‌گزینی افراد تأثیر غیرمستقیم داشته است. متغیر عدالت توزیعی به صورت غیرمستقیم از طریق متغیرهای نگرش به قانون با ضریب مسیر ۰/۳۸ احساس محرومیت نسبی با ضریب مسیر ۰/۳۰، رضایت اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۲۹ و اعتماد اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۴۴ به صورت غیرمستقیم بر قانون‌گزینی افراد تأثیر داشته است.



شکل (۲) تحلیل مسیر

بحث و نتیجه گیری

در تبیین یافته های تحقیق نظریه پردازان تضاد گرا بر این باورند که ساختار سیاسی و اجتماعی رفتار افراد را شکل می دهند. نظریه های تضاد اجتماعی تلاششان این است که جرم را در درون بافت های اقتصادی و اجتماعی توضیح دهند و ارتباط بین طبقه اجتماعی، جرم و کنترل اجتماعی را بیان کنند. نظریه های تضاد به جرم به عنوان پیامد مبارزه ای اجتماعی نگاه می کنند و مدعی اند که توزیع متفاوت قدرت در جوامع متکثر موجب می شود که برخی از گروه هایی که از سهم کافی از قدرت برخوردارند، بتوانند قوانین و مقرراتی را به نفع خودشان و به ضرر گروه های رقیب تصویب کنند. بنابراین وقتی که افراد در جامعه احساس بی عدالتی اجتماعی کنند و تصور کنند که امکانات و فرصت های اجتماعی به صورت نابرابر توزیع شده اند، قوانین موجود در جامعه را ناعادلانه

دانسته و آن را زیر سؤال می‌برند، بنابراین از قوانین موجود در جامعه تبعیت نمی‌کنند. در شرایطی که در جامعه عدالت اجتماعی وجود نداشته باشد و افراد احساس کنند که امکانات و امتیازات اجتماعی به صورت نابرابر توزیع شده است و فرصت‌های اجتماعی در اختیار تعداد اندکی از افراد جامعه قرار گیرد، افراد نسبت به نظام اجتماعی احساس نارضایتی داشته و قوانین جامعه را زیر سؤال می‌برند. بنابراین نسبت به قوانین جامعه بی‌توجه بوده و سرپیچی از آن را به نوعی جبران این نابرابری‌ها می‌دانند. زمانی که قواعد اجتماعی در جوامع پیچیده‌ای که با کاهش همبستگی و وفاق روبه‌روست، کمتر التزام آور می‌شود و مردم احساس می‌کنند که از فشار هنجارهای اجتماعی کاسته شده است، آنگاه افزایش انحرافات همچون، جرم و قانون‌گزینی اجتناب‌ناپذیر می‌شوند.

نظریه پردازان دیدگاه کنترل اجتماعی معتقدند که تمام انسان‌ها استعداد سرپیچی از قانون دارند و اگر کنترل نشوند، مرتکب بزهکاری می‌شوند. همچنین معتقدند که مردم به این دلیل از قانون اطاعت می‌کنند که رفتارها و ایده‌های آن‌ها از طریق نیروهای بیرونی و درونی کنترل می‌شود. از طرفی دیگر اعتماد اجتماعی در جامعه موجب پیوند بیشتر افراد به یکدیگر شده و مشارکت افراد در جامعه افزایش می‌یابد. این امر موجب می‌شود که افراد تمایل زیادی به پیروی از قانون داشته و در نتیجه میزان قانون‌گزینی آن‌ها کاهش می‌یابد. از طرفی دیگر رضایت افراد از وضعیت موجود در جامعه احساس خوشایندی به افراد داده و افراد جامعه هم قوانین موجود در جامعه را مثبت و مطلوب ارزیابی می‌کنند. این امر موجب می‌شود که آن‌ها از قوانین موجود در جامعه تبعیت کنند. برعکس نارضایتی اجتماعی افراد در آن‌ها احساس ناخوشایندی نسبت به هنجارهای اجتماعی به وجود آورده و افراد احساس می‌کنند هنجارها و قوانین جامعه مطلوب نبوده و کارایی لازم را ندارند و حتی قوانین موجود در جامعه را به نفع عده‌ای و به ضرر خود تلقی می‌کنند. این امر می‌تواند زمینه‌های سرپیچی افراد از قوانین موجود در جامعه را فراهم نموده و در نتیجه قانون‌گزینی در جامعه افزایش می‌یابد.

منابع

- ایمان، محمد تقی (۱۳۸۹)، مبانی پارادایمی روش‌های کمی و کیفی تحقیق در علوم انسانی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۹)، آینده‌نگری مردم تهران: نگرانی‌ها و آینده، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- بیرو، آلن (۱۳۸۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه دکتر باقر ساروخانی، تهران: نشر کیهان.
- فیروز جاییان، علی، توکلی، جواد (۱۳۹۵)، تحلیل جامعه‌شناختی قانون‌گریزی در رانندگی با تأکید بر نظریه اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان شهر نکا)، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، دوره ۵، شماره ۲، تابستان ۹۵.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۱)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: نشر سمت.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۹)، تحلیل نظری منشأ و ارتباط‌های اجتماعی و نابرابری‌ها، مجله: تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، شماره ۴/۵۹ علمی-پژوهشی/ISC (۲۶ صفحه - از ۱ تا ۲۶).
- رال رایینگتون، مارتین و اینبرگ (۱۳۸۲)، رویکردهای هفتگانه در بررسی مسایل اجتماعی، ترجمه صدیق سروسرستانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رضایی، محمد (۱۳۸۳)، بررسی میزان، نوع و عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی بخشی از کارمندان دولت، تهران: معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸)، آناتومب آشفستگی اجتماعی، تهران: انتشارات سروش
- ریتزر، جورج (۱۳۹۳)، نظریه‌ی جامعه‌شناسی، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی
- زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ ترکان، رحمت‌اله؛ (۱۳۹۲) بررسی رابطه‌ی احساس امنیت اجتماعی و نظام ارزشی جوانان؛ (مطالعه‌ی درباره‌ی دانشجویان دانشگاه یزد)، مجله: مطالعات اجتماعی ایران دوره نهم - شماره ۱ علمی-پژوهشی/ISC (۲۵ صفحه - از ۱۰۳ تا ۱۲۷)
- عبداللهی، محمد (۱۳۷۸)، موانع قانون‌گرایی و راه‌های مقابله با آنها در ایران، در قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی، تهران: طرح نو.

- عبدی، عباس(۱۳۸۱)، نارسایی های قانون و حقوق در فرهنگ عمومی در معمای حاکمیت قانون در ایران، تهران: طرح نو.
- علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۶)، بررسی روحیه جمعی و قانون‌پذیری در جامعه، تهران: اداره کل دبیرخانه شورای فرهنگ.
- علی بابایی یحیی، فیروزجاییان علی اصغر(۱۳۸۸) تحلیل جامعه شناختی عوامل موثر بر قانون‌گزیزی، فیروزجاییان و جواد توکلی (۱۳۹۵).
- کریمی، یوسف (۱۳۸۸)، روان شناسی اجتماعی، نظریه ها، مفاهیم و کاربردها، تهران: انتشارات ارسباران.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱)، سیاست، جامعه شناسی و نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مبارکی، محمد (۱۳۸۴) میزان، نوع و عوامل موثر بر قانون‌گزیزی، مجله جامعه شنای ایران، دوره ۶، شماره ۳، صفحه ۴۷-۶۹.
- محسنی، رضا علی (۱۳۹۱)، تحلیل جامعه شناختی قانون‌گزیزی و راهکارهایی برای قانون‌گرایی و نظم عمومی، فصلنامه نظم و امنیت اجتماعی، سال پنجم، شماره اول.
- محسنی، محمد (۱۳۷۹). بررسی گرایش به اطاعت از قانون در ایران، (در قانون-گرایی و فرهنگ عمومی). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۱)، انحرافات اجتماعی، نظریه ها و دیدگاهها، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.

Agnew, Robert and Timothy, Brezina(2011),relational problem with peer, gender and delinquency, youth and society, vol.29: 84-111

Break well, G (2007).The psychology of Risk U.K: Cambridge.

Carswell,steren(2005).path way to law evasion: The role of parental attachment,family socio- economic status and deviant peer relationship in law evasion among aferican- american middle school students. Dissertation ph.d .The American University

Marte, Ricardo, M (2008). Adolescent problem behaviors: Delinquency Aggression and Drug use” New York: LFB scholarly publishing LLC.

Siegel, Larry J. (2012). Criminology: Theories, Patterns and Typologies, New York: Wadsworth.